

نظریه دولت در ایران

○ تهماسب طالبی

خلفا و امامان، حکام و قاضیان پرداخته و نظر ابن خلدون را در رابطه با خلافت و خلیفه بیان می‌دارد: «شرع پادشاهی را منع بالذات نکرده بلکه فقط مظاهر بد آن را نکوهش نموده است... تعیین امام از طریق اجماع و اطاعت از او بر همه خلق واجب است.»^۱ در کنار نظرات ابن خلدون مؤلف به نظرات **ماوردی** هم اشارتی نموده است.

لمبتون چنین اظهار می‌دارد: «القبای که توسط سلاطین بزرگ سلجوقی پدید آمد همکاری میان سلطان و خلیفه را منظور می‌داشت ولی به طور ضمنی این واقعیت را به رسمیت می‌شناخت که حکومت واقعی اسلام در دست سلطان قرار دارد.»^۲ به نظر مؤلف تجدید پیوند میان دولت و مذهب [در زمان سلجوقی]، دو هدف در پی داشت: اول حفظ استقلال معنوی نهاد مذهب در مقابل قدرت فزاینده دولت، و دوم نگاهداری ثبات سیاسی دولت. و این تجدید پیوند توسط نظام الملک به وجود آمد. لمبتون، در ادامه به نظرات برخی اندیشمندان دیگر نیز می‌پردازد که می‌توان به **افضل الدین کاشانی** اشاره کرد، که یک باطنی بود و در نیمه دوم قرن ششم هجری می‌زیست به نظر لمبتون، کاشانی در رساله خود، با نام «ساز و پیرایه شاهان پرمایه» که درباره پادشاهی است، می‌کوشد «اصول پادشاهی را به واسطه اشکال مختلف خلقت تا ظهور آدم، جانشین خدا و عالم صغیر و عالم کبیره بگیرد.»^۳

نجم‌الدین رازی (۶۵۴ هـ. ق - ۵۷۰) از مشایخ بزرگ تصوف در اثر خود به نام **مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد**، والاترین خیر را هنگامی می‌داند که «سلطنت ایمان و سلطنت دنیا در وجود یک فرد متحد شود.



○ نظریه دولت در ایران

○ تألیف: آن. کی. اس لمبتون

○ گردآوری، ترجمه و پیوست: چنگیز پهلوان

○ ناشر: گپو، تهران، ۱۳۷۹

کتاب **نظریه دولت در ایران**، در برگزیده چهار مقاله یا رساله از خانم **لمبتون** است. این کتاب توسط آقای **چنگیز پهلوان** به فارسی ترجمه شده است مترجم در ترجمه هر رساله گاهی بر حسب نیاز و صلاحدید خویش مطالبی را به متن افزوده‌اند و افزوده‌ها را در میان دو قلاب قرار داده و مأخذ آن را هم در پایان قید نموده‌اند. اما نویسنده کتاب خانم لمبتون از Lambton از ایران‌شناسان مشهور است و مقالات و کتاب‌های فراوانی درباره جنبه‌های مختلف تاریخ ایران در دوران اسلام تدوین نموده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از آثار ذیل نام برد.

کتاب، **مالک و زارع در ایران (۱۹۵۲):**

لغت فارسی (۱۹۵۳): دستور زبان فارسی

(۱۹۵۳ م): سه لهجه از لهجه‌های ایرانی؛

ایران عصر قاجار ۱۹۸۷: تاریخ سده‌های

میانه ایران. گذشته از این آثار، خانم لمبتون

مقالات متعددی نیز، پیرامون مسائل مربوط به

ایران انتشار داده‌اند همچون: تاریخ قم (۱۹۴۸

م)، دوسیورغال متعلق به دوران صفویه ۱۹۵۰،

جهانداری سنجر بنا به شرح و تفصیل عتبه

الکتبه (۱۹۵۷)، جامعه اسلامی در ایران

(۱۹۵۴)، اندیشه‌هایی درباره آیین جهانداری از

نظر ایرانیان (۱۹۵۶) و نصیحة الملوک، آئین شهریاری و تأثیر تمدن غرب

در ایران (۱۹۵۸).

۱- رساله اول: نظریه دولت در ایران:

لمبتون با طرح این سؤال وارد بحث می‌شود که چه کسی بر صاحبان قدرت نظاره می‌کند؟ مؤلف آنگاه به ترتیب: قرارگیری قدرت در دست خدا،

لمبتون: «القابی که توسط سلاطین بزرگ سلجوقی پدید آمد همکاری میان سلطان و خلیفه را منظور می‌داشت ولی به طور ضمنی این واقعیت را به رسمیت می‌شناخت که حکومت واقعی اسلام در دست سلطان قرار دارد»

به نظر مؤلف، تجدید پیوند میان دولت و مذهب [در زمان سلجوقی]،
دو هدف در پی داشت: اول حفظ استقلال معنوی نهاد مذهب در مقابل
قدرت فزاینده دولت و دوم: نگاهداری ثبات سیاسی دولت.
و این تجدید پیوند، توسط نظام الملک به وجود آمد

۲- به تخت نشستن شاهان در سنین خردسالی مدتی قدرت را از دست آنان خارج می‌ساخت

۳- رشد دستگاه اداری باعث دوری از حکومت مذهبی می‌گشت.^{۱۰}
به نظر لمبتون، در زمان قاجار «این فرض، دیگر مطرح نبود که سلطان،
به نام «امام غایب» قدرت را در اختیار دارد. سلطان، رئیس دولت بود که از
جانب خدا تعیین شده بود و چون سلاطین پیشین، دولت در وجود او تجسم
می‌یافت اما او دیگر نماینده امام غایب نبود تا مجتهدان نیز در زیر پوشش او
قرار گیرند از این رو نقش‌های نهاد مذهبی و نهاد سیاسی به گونه‌ای آشکار
از هم متمایز شدند.»^{۱۱}

۲- رساله دوم: زمینه‌های دگرگونی اجتماعی در ایران قرن
نوزدهم میلادی:

لمبتون معتقد است درک رفتار ایرانیان در قرن ۱۹ در برابر
دگرگونی‌های اجتماعی منوط به دو امر است:

۱- نظریه‌های شیعه راجع به صاحبان قدرت سیاسی، ۲- نفوذ
قدرت‌های بزرگ در ایران.

در رابطه با مورد اول، مؤلف به بیان نظرات محمدبن الحسن طوسی
و مرتضی علم‌الهدی و شیخ جعفر کاشف الغطاء، درباره حکومت
می‌پردازد و دریابان نتیجه می‌گیرد که «بررسی نوشته‌های فقهای آغازین
امامی نشان می‌دهد که آنان نظریه دفع مضرات را پروراندند پیرو این
نظریه همکاری با فرمانروای ظالم و پذیرش ولایت از او به خاطر دفع
مضرات جایز است.»^{۱۲}

لمبتون، عللی را به عنوان عامل تغییر و تحول در ایران قرن ۱۹ بیان
می‌کند که می‌توان این علل را بدین‌گونه تقسیم‌بندی کرد: ۱- او با استناد به
گفته لیدی شل که ناظر بر رویدادهای ایران در سال ۱۸۵۰ م. بود از قول او
می‌نویسد: عموم ایرانیان گرایش به تغییر و تحول را دارند.

۲- تماس با تمدن بیگانه اروپایی در زمینه‌های نظامی و سیاسی از دیگر
علل تحول است که در کنار آن نقش هیأت‌های نظامی و سیاسی و خدمات
پزشکی آنان را نیز نباید از نظر دور داشت

۳- تأسیس مدارس توسط هیأت‌های مسیحی اروپایی در ایران

۴- بازدید جهانگردان اروپایی از ایران

۵- سفرهای فزاینده ایرانیان به خارج برای مقاصد سیاسی، اقتصادی،
فرهنگی و ...

۶- رشد تجارت خارجی و الگوهای جدید در تجارت داخلی را نیز
می‌توان از جمله عوامل تحول در ایران قرن ۱۹ دانست.

نجم‌الدین، اطاعت از سلطان فرزانه و عادل را برابر با اطاعت از خدا و
پیامبرش می‌داند.^{۱۳} لمبتون معتقد است که امام فخرالدین رازی (۶۰۶ هـ
ق - ۵۴۴) تحت‌تأثیر فلسفه یونانی بوده است. لمبتون از قول امام محمد
فخر رازی می‌نویسد: «نظم جهان نیاز به فرد خردمند یا پادشاهی به عنوان
جانشین خدا دارد تا طبیعت غارتگرانه مردمان را مهار کند.»^{۱۴}

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲) هم از اندیشمندان دیگری
است که لمبتون نظریات او را مورد بررسی قرار داده است. «خواجه نصیر سه
چیز را برای حفظ مساوات در میان امت مهم می‌دانست:

۱- ناموس الهی که می‌بایست بزرگ‌ترین داور باشد و همه از آن اطاعت
کنند

۲- حاکم می‌بایست خود را با ناموس الهی تطبیق دهد

۳- نظام پولی که از داور دوم تبعیت می‌کند^{۱۵} لمبتون اظهار می‌دارد که
در عهد تیموریان حکمران، هنوز سایه خدا در زمین به حساب می‌آمد او در
این رابطه به گفته شامی در اثر مشهورش ظفرنامه استناد می‌کند: «که
پادشاهان به دنبال پیامبران آمدند و نقش قدرت دنیوی آن است که آدمی را
به سوی کتاب خدا بیاورد.»^{۱۶}

به گفته مؤلف در عهد سلاطین آق قویونلو، مولانا جلال‌الدین دوانی
ادامه دهنده کار خواجه نصیرالدین طوسی بوده است. لمبتون، اخلاق
محسنی اثر واعظ کاشفی که برای سلطان حسین بایقرا تألیف کرده
است را نیز مورد بررسی قرار داده است به نظر حسین کاشفی، قانون همان
شریعت است که از خدا الهام می‌گیرد و به پیامبر تفویض می‌شود و پادشاه از
آن حراست می‌کند: «لذا شأن سلطنت در مرتبه پیامبری است لذا پادشاه باید
که متخلق به اخلاق صاحب شریعت باشد تا حفظ حدود شرع تواند کرد.»^{۱۷}
نویسنده در ادامه مطالب اظهار می‌دارد که همزمان با شروع دوره
صفویه، نهاد حکمرانی با آموزه شیعه منطبق شد این نظریه که حکمران
دنیوی سایه خدا در زمین است همچنان موضوع مرکزی باقی ماند ولی
انتخاب دلخواه حکمران دنیوی به مدد نظریه دیگری محدود گشت که
پیروان حکمران صفوی به واسطه آن که مستقیماً از تبار امام موسی
کاظم (ع) بوده‌اند به عنوان نماینده حضرت محمد (ص) و امام غائب، قدرت
را در اختیار دارند.^{۱۸}

به نظر لمبتون عواملی نیز عملاً «مطلق آیینی»، حکومت صفوی را
محدود می‌ساختند:

۱- در دوره آغازین حکومت صفویه دولت بر پایه نظام قبیله‌ای استوار
بود لذا مجبور به کسب توافق گروه‌ها و رهبران قبایل بود.

به نظر لمبتون اقداماتی همچون:

- ۱- محدودیت حق بست نشستن ۲- تجاوز به حوزه قضایی شرعی توسط حکومت
 - ۳- کوشش‌های آزمایشی در جهت نظارت بر درآمدهای وقف،
 - کاهش مستمری علما و گسترش آموزش دنیوی ۴- دادن امتیازات اقتصادی و...
- به بیگانگان، موجب برانگیخته شدن خشم علما
در زمان قاجاریه می‌گشت

لمبتون، معتقد است درک رفتار ایرانیان در قرن ۱۹
در برابر دگرگونی‌های اجتماعی منوط به دو امر است:
اول، نظریه‌های شیعه راجع به صاحبان قدرت سیاسی.
دوم، نفوذ قدرت‌های بزرگ در ایران

علمای ایران به عنوان کزآیین قلمداد می‌شدند مهم‌ترین شخصیت در میان
آنان جمال‌الدین افغانی بود.

به نظر لمبتون اقداماتی همچون: ۱- محدودیت حق بست نشستن ۲-
تجاوز به حوزه قضایی شرعی توسط حکومت ۳- کوشش‌های آزمایشی در
جهت نظارت بر درآمدهای وقف - کاهش مستمری علما و گسترش آموزش
دنیوی ۴- دادن امتیازات اقتصادی و... به بیگانگان موجب برانگیخته شدن
خشم علما در زمان قاجاریه می‌گشت.

مقاله چهارم: خاطراتی از ایران در نیمه قرن بیستم:

وی این خاطرات را نخست به صورت سخنرانی «در مرکز مطالعات
خاورمیانه کالج سنت آنتونی» در ۸ مارس ۱۹۸۸ ایراد کرده است. در این
خاطرات، نویسنده به انگیزه‌های سفر خود به ایران می‌پردازد: «قصدم در
دیدارهای نخستین این بود که بتوانم دانشم را در مورد زبان فارسی بهبود
بخشم و درک ژرف‌تری از تاریخ و تمدن ایران به طور کلی به دست آورم.
موضوع‌های شخصی که برای مطالعه برگزیده بودم عبارت بودند از اصناف
زمینداری و سازمان روستا»^۱ در ادامه، مؤلف در رابطه با موضوعاتی چون:
تحول در عرصه‌های مذهب، آموزش و پرورش، بهداشت، راه‌ها، و خطوط
ارتباطی... بحث می‌نماید.

۷- احداث خطوط تلگراف هند - اروپا در سال ۱۸۶۲ که این امر حکومت
مرکزی را قادر می‌ساخت نفوذ مؤثرتری در ایالات داشته باشد و باعث ارتباط
ایران با جهان خارج شود.

۸ - ورود چاپخانه در نیمه نخست قرن ۱۹ و بنیانگذاری روزنامه‌های
رسمی.

۹- دگرگونی‌های جمعیتی به‌ویژه در سال‌های آخر قرن

۱۰- مهاجرت‌های درون مرزی و نیز برون مرزی کارگران و دهقانان ولو
اینکه فصلی بوده. در عین حال مؤلف معتقد است که در داخل ایران هم در
این زمان عواملی به عنوان مانع بر سر راه دگرگونی‌های اجتماعی بود
من جمله: الف) فقدان راه‌ها و خطوط حمل و نقل مناسب

ب) مخالفت علما با ساختن راه‌های جدید و راه‌آهن به واسطه اینکه
آنها می‌ترسیدند که توسعه ارتباطات، دروازه‌های کشور را به روی اروپاییان
بگشاید و آنها با فعالیت‌هایشان، شیوه زندگی مؤمنان را به خطر اندازند.^۳ در
ادامه، مؤلف به تقسیم‌بندی و تشریح ساختار اجتماعی ایران در قرن ۱۹
می‌پردازد. که به نظر وی این سلسله مراتب شامل ۱- مردان شمشیر ۲-
مردان قلم ۳- علما ۴- گروهی که از تجار ترکیب می‌یافت، بود.

مقاله سوم: علمای ایران و جنبش اصلاحی مشروطیت:

نویسنده هدف از نگارش این مقاله را نشان دادن این نکته اعلام
می‌کند که: «چگونه علما، رهبران جنبشی شدند که علیه حکومت خودکامه
نضج گرفت.»^۴

به نظر نویسنده بیشتر رهبران جنبش مشروطیت آنچه خواستند اصلاح
بود و نه انقلاب، اشاره‌ای گذرا به نقش طبقات مذهبی در روند تاریخی
حوادث ایران پس از اسلام، بخش‌های دیگری از این مقاله را دربر می‌گیرد.
لمبتون معتقد است: «در زمان قاجار، علما علی‌رغم نداشتن تشکل و
اتحاد کافی گروهی بودند که می‌توانستند در برابر دولت، چون مانعی عمل
کنند و خطرهای ناشی از سیاست معینی را آشکارا با شاه و مشاورانش در
میان گذارند و از سوی دیگر پیوند آنان با مردم بسیار بود.»^۵

لمبتون در ادامه عواملی را در نیمه قرن ۱۹ و بعد آن به عنوان
واسطه‌های انتقال فکری جدید در ایران معرفی می‌کند از جمله آنها «جنبش
باب» است به نظر مؤلف افرادی از بایبان به ویژه از گروه ازلی به‌طور
انفرادی، نقشی مهم در جنبش اصلاحی مشروطیت ایفا نمودند. دومین
مجریایی که از طریق آن فکری جدید یا تغییرهای جدید فرا رسید به وسیله
نوگرایان اسلامی و پان اسلامیت‌ها تشکیل شده بود که آنان نیز از دیدگاه

پاورقی‌ها:

(۱) لمبتون، آن کی اس: نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گبو،

۱۳۷۹ ص ۲۵

(۲) منبع پیشین. ص ۳۳.

(۳) منبع پیشین. ص ۳۴.

(۴) منبع پیشین. ص ۴۹.

(۵) منبع پیشین. ص ۵۱.

(۶) منبع پیشین. ص ۵۳.

(۷) منبع پیشین. ص ۶۳.

(۸) منبع پیشین. ص ۷۰.

(۹) منبع پیشین. ص ۷۳.

(۱۰) منبع پیشین. ص ۸۵.

(۱۱) منبع پیشین. ص ۱۰۰.

(۱۲) منبع پیشین. ص ۱۱۹.

(۱۳) منبع پیشین. ص ۱۳۷.

(۱۴) منبع پیشین. ص ۱۵۷.

(۱۵) منبع پیشین. ص ۱۶۲.

(۱۶) منبع پیشین. ص ۱۹۲.